

## مطالعه تطبیقی سه قرارداد مشارکت در تولید در روسیه

ندا علم الهدی

نظر فن آوری)، سه قرارداد را با شرکت‌های نفتی بین‌المللی به امضا رساند. هم‌اکنون شرکت فرانسوی توتال قرارداد مشارکت در تولید "خاریاگا" را در حوزه "تیمان- پیچورا" مدیریت می‌کند و شرکت آمریکایی اکسان موبیل اجرای پروژه "ساخالین-۱" را در روسیه شرقی به عهده دارد و گروه رویال داچ شل نیز در سال ۲۰۰۶ و تا قبل از پیوستن گازپروم به پروژه، مدیریت پروژه "ساخالین-۲" را بر عهده داشت. بررسی روابط شرکت- دولت در این سه پروژه از سال ۲۰۰۰ تا سپتامبر ۲۰۰۷ نشان می‌دهد که تفاوت‌های عمده‌ای در شیوه رفتار دولت در برابر هر پروژه وجود داشته است که برای درک بیشتر این تفاوت‌ها در ادامه به بررسی هر یک پرداخته‌ایم. چگونه می‌توانیم این تفاوت‌ها را توضیح دهیم؟ آیا یک هدف استراتژیک در پس اقدامات کرملین در مورد این پروژه‌ها وجود دارد؟ یا این اقدامات تنها جنبه فنی دارند؟ رفتار دولت پوتین در برابر این سه پروژه می‌تواند ناشی از مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجرایی، منطقه‌ای، صنعتی، تکنولوژیکی، قانونی و ژئوپلیتیکی برای هر پروژه باشد. تاکنون مطالعه‌ای تطبیقی از رفتار دولت پوتین در برابر پروژه‌های

زمانی که یک شرکت نفتی قراردادی را به امضا می‌رساند، ساختار آن قرارداد به بخشی از فرهنگ شرکت تبدیل شده و فعالیت‌های آن شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سال ۱۹۹۴، یک کنسرسیوم از شرکت‌های نفتی خارجی به نام شرکت سرمایه‌گذاری انرژی ساخالین (SEIC) به منظور توسعه میادین نفت و گاز ساخالین-۲ واقع در شرق روسیه، قراردادی را با دولت روسیه به امضا رساند. کنسرسیوم مذکور در آن زمان ادعا می‌کرد که این قرارداد حاوی بهترین شرایط قراردادهای مشارکت در تولید می‌باشد که در روسیه به امضا رسیده است. اما دوازده سال بعد دولت روسیه شرکای این پروژه را فراخواند و آنها را مجبور به فروش بخشی از سهام پروژه به شرکت گازپروم کرد.

تحوّل در روابط شرکت- دولت در ساخالین-۲ در طول دو دوره ریاست جمهوری یلتسین و پوتین از تحوّل در صنعت انرژی روسیه در طی ۱۵ سال گذشته حکایت دارد. در دهه ۱۹۹۰ روسیه دچار ضعف اقتصادی و سیاسی بود و قیمت‌های نفت نیز در سطح پایینی قرار داشتند. دولت روسیه بین سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ به منظور تحرک سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های هیدروکربنی پیچیده (از

رسمی این نیاز را تشخیص داده‌اند و در حال نهایی کردن توافقات میان دولت و شرکت‌های نفتی به منظور ایجاد خط لوله‌ای به طول ۶۶۵ کیلومتر با ظرفیت ۲۴۰۰۰۰ بشکه در روز از خاریاگا به بندری در "آیندیگا" در دریای "بارنتز" می‌باشند. با این حال دولت روسیه نسبت به افزایش هزینه‌ها و سطح پایین تولید این پروژه اعتراض و انتقاد دارد. اختلاف میان توتال و دولت روسیه از هنگامی آغاز گردید که مقامات مالیاتی روسیه گزارشات مالی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ پروژه را قبول نکردند و اعلام کردند که همه درآمد پروژه سود بوده است و بازایافت هزینه‌ها را نپذیرفتند و این امر باعث شد تا مقامات فدرال یک صورتحساب مالیاتی کلان در حدود ۴۸/۵ میلیون دلار را تحویل توتال بدهند که این امر باعث ناراضی این شرکت و ارائه دادخواستی بر علیه روسیه به دادگاه داور بین‌المللی استکهلم گردید اما در سال ۲۰۰۳ شرکت توتال و مقامات فدرال بالاخره در این خصوص مصالحه کردند. در هر صورت شیوه برخورد دولت با پروژه خاریاگا می‌تواند به واسطه ترکیبی از عوامل منطقه‌ای و صنعتی شرح داده شود. در واقع استراتژی توسعه‌ای دولت پوتین غیرشفاف باقی مانده و بین نیاز به تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های نفت و گاز در مناطق دورتر و تمایل بر افزایش کنترل بر حوزه‌های هیدروکربنی تضاد ایجاد شده است. علاوه بر این بزرگترین شرکت‌های نفتی،

روس نفت و لوک‌اویل، در حال رقابت برای نفوذ بیشتر بر منابع حوزه تیمان - پچورا می‌باشند. تردید پوتین بر ماهیت توسعه منطقه‌ای و عدم موفقیت در مداخله در رقابت میان روس نفت و لوک‌اویل، از انتخاب یک استراتژی روشن در خاریاگا جلوگیری کرده و در نتیجه دولت دست به یک اقدام جدی در مورد پروژه زنده و تلاشی در جهت تغییر ساختار مدیریت آن انجام نداده است.

### قرارداد مشارکت در تولید ساخالین-۱

پروژه ساخالین-۱ در شمال جزیره ساخالین در شرق روسیه واقع گردیده است. در سال ۱۹۹۵ دولت روسیه و یک کنسرسیوم بین‌المللی یک قرارداد مشارکت در تولید ۴۰ ساله را برای توسعه ساخالین-۱ امضا کردند. سهم اکسان در کنسرسیوم ۳۰ درصد می‌باشد و بعنوان مجری پروژه مسئول روابط بین شرکت‌ها و دولت روسیه است. شرکای دیگر شامل روس نفت (۲۰ درصد)، ONGC و Videsh هند (۲۰ درصد) و شرکت توسعه نفت و گاز ساخالین و یک کنسرسیوم از سرمایه‌گذاران ژاپنی (۳۰ درصد) می‌باشند. سهم ۲۰

خاریاگا، ساخالین-۱ و ساخالین-۲ صورت پذیرفته است. در نتیجه، شناخت و تحلیل عوامل مربوط به رفتار متناقض دولت پوتین در برابر این سه پروژه، اهداف استراتژیک دولت روسیه در بخش انرژی و ریسک سیاسی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش هیدروکربنی این کشور را آشکار می‌سازد.

### قرارداد مشارکت در تولید پروژه خاریاگا

زمین‌شناسان اتحاد جماهیر شوروی سابق میدان نفتی خاریاگا را در سال ۱۹۷۰ کشف کردند و این میدان از سال ۱۹۸۶ تا کنون در حال تولید می‌باشد. "خاریاگا" در حوزه "تیمان پچورا" در مرز منطقه خودمختار "نتس" و جمهوری "کومی" واقع شده است. دولت روسیه در سال ۱۹۹۵ یک قرارداد مشارکت در تولید را با یک کنسرسیوم چندملیتی شامل توتال (۵۰ درصد)، نورسک هیدرو (۴۰ درصد) و شرکت نفتی نتس (۱۰ درصد) به منظور توسعه بخش شمالی این میدان امضا کرد. شرکت توتال مدیریت پروژه را به عهده دارد و مسئول برقراری ارتباط با دولت روسیه می‌باشد. در این قرارداد تصریح شد که توتال و نورسک هیدرو باید هر کدام ۱۰ درصد از سهامشان را به یک شرکت روسی بفروشند. وزیر توسعه و تجارت اقتصادی روسیه در سال ۲۰۰۱ به منظور تعیین لوک‌اویل به عنوان شریک روسی آینده پروژه متممی را

به قرارداد اضافه کرد. در حال حاضر لوک‌اویل در حال توسعه بخش شرقی خاریاگا و میدانی متعدد دیگری در جوار این میدان می‌باشد. میدان خاریاگا حدود ۴۰۰ میلیون بشکه نفت را در خود جای داده است و کنسرسیوم مذکور برای سرمایه‌گذاری ۱۶/۷ میلیارد دلاری در این میدان برنامه‌ریزی کرده است پیش‌بینی تولید این پروژه ۷۰۰۰۰ بشکه در روز بوده است اما در سال ۲۰۰۷ تولید خاریاگا به طور متوسط ۲۲۰۰۰ بشکه در روز بود که بیشتر آن به بندری در آلمان و منطقه بالتیک حمل گردید. بنابر طرح توسعه توتال، تولید میدان خاریاگا تا سال ۲۰۱۰ به دلیل کمبود ظرفیت صادراتی در حدود ۲۰۰۰۰ بشکه در روز باقی خواهد ماند. فدراسیون روسیه تا پایان فوریه ۲۰۰۶، ۱۶۹/۱ میلیون دلار از این میدان درآمد داشته که شامل ۱۰۷ میلیون دلار نفت منفعتی، ۴۱ میلیون دلار مالیات بر سود و ۲۱/۱ میلیون دلار بهره‌مالکانه بوده است. بنا بر اظهارات شرکت توتال، تا زمانی که دولت روسیه افزایش ظرفیت خطوط لوله صادرات اضافی را در حوزه تیمان - پچورا ضروری نداند، این شرکت انگیزه‌ای در تسریع توسعه این میدان نخواهد داشت، اما اخبار نشان می‌دهد که مقامات

**تردید پوتین بر ماهیت توسعه منطقه‌ای و عدم موفقیت در مداخله در رقابت میان روس نفت و لوک‌اویل، از انتخاب یک استراتژی روشن در خاریاگا جلوگیری کرده و در نتیجه دولت دست به یک اقدام جدی در مورد پروژه زنده و تلاشی در جهت تغییر ساختار مدیریت آن انجام نداده است**



خواهد گردید. بر طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته انتظار می‌رود که این پروژه تا انتهای قرارداد یعنی سال ۲۰۵۴، ۵۲/۲ میلیارد دلار برای دولت روسیه درآمد در بر داشته باشد. بنابر اظهارات پوتین روابط بین دولت روسیه و کنسرسیوم ساخالین-۱ باثبات و استوار بوده است، در اکتبر سال ۲۰۰۶، اکسان اعلام کرد که هزینه کل پروژه ساخالین-۱ از ۱۲/۸ میلیارد دلار به ۱۷/۸ میلیارد دلار افزایش یافته و دلیل آن را فشارهای تورمی خارجی و اثر آن بر هزینه نیروی کار و مواد خام و نیز تضعیف دلار آمریکا ذکر نمود. وزارت انرژی و صنعت روسیه با هزینه تخمینی در آوریل ۲۰۰۷ موافقت نمود لیکن کنسرسیوم را متهم به افزایش هزینه‌ها در سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ نمود.

در سال ۲۰۰۶ وزارت منابع طبیعی تخلفات ایمنی و زیست محیطی را در ترمینال Dekastri گزارش داد و به اکسان برای به تأخیر انداختن چند ماهه بهره‌برداری پروژه فشار آورد. جنجالی‌ترین نزاع بین دولت روسیه و اکسان عدم موافقت دولت نسبت به اعطاء حقوق توسعه سه میدان مجاور ساخالین به کنسرسیوم بوده است. کنسرسیوم اعلام کرد که چنانچه دولت اجازه توسعه این میادین را ندهد، سطح تولید نفت منطقه در میان مدت کاهش خواهد یافت. قرار است این میادین در پروژه ساخالین-۳ که توسط روس‌نفت رهبری می‌شود، به بهره‌برداری برسد. دولت روسیه بهره‌برداری از پروژه ساخالین-۱ را به تأخیر انداخت و تقاضای اکسان برای گسترش قرارداد مشارکت در تولید را رد کرد و نیز به کنسرسیوم به منظور بکارگیری استراتژی‌های جدید بازاریابی برای گاز فشار وارد آورد. کرملین از اقداماتی مانند لغو پروانه پروژه یا تغییر مالکیت کنسرسیوم در این پروژه خودداری کرده است. تفاوت رفتار دولت روسیه در برابر پروژه خاریاگا با رفتار ستیزه‌جویانه در ساخالین-۲ قابل تأمل است.

درصد روس‌نفت در ساخالین-۱ بین دو شرکت فرعی آن یعنی RN Astra (۵/۸ درصد) و Sakhalinmorneftegaz (۵/۱۱ درصد) تقسیم شده است. ساخالین-۱ شامل سه میدان، Chayvo، Arkutu- Dag و Odoptu می‌باشد و ذخایر آن در حدود ۲/۳ میلیارد بشکه نفت و ۴۸۵ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی است. کنسرسیوم در مرحله اول استخراج نفت را از میدان Chayvo در اکتبر ۲۰۰۵ آغاز کرد و یک تأسیسات فرآوری در خشکی و یک خط لوله صادرات ۱۴۰ مایلی ایجاد کرد. خط لوله مذکور از غرب به شرق و از چاه‌های پروژه دریای Oktotsk در شمال جزیره ساخالین و پایین تنگه تاتار به ترمینال نفتی Dekastri در Khabarovsk Krai امتداد یافته است. نفت برای صادرات و گاز برای بازار داخلی تولید می‌شود. تولید نفت ساخالین-۱ در فوریه ۲۰۰۷ به ظرفیت هدفش یعنی ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز رسید. بیشترین نفت تولید شده در ساخالین-۱ به بازارهای شرق و جنوب آسیا صادر می‌شود. اما گاز همراه این میدان که حدود ۱/۷ میلیون متر مکعب در روز است عمدتاً برای تزریق دوباره به میدان مورد استفاده قرار می‌گیرد و تحت شرایط قرارداد سال ۲۰۰۴، کنسرسیوم ساخالین-۱ ملزم به صادرات بین ۲ تا ۳ میلیارد متر مکعب گاز در سال به Khabarovsk Krai از طریق خط لوله در سال ۲۰۰۷ بوده است. در سال ۲۰۰۸ نیز افزایش تولید گاز در ساخالین-۱ کنسرسیوم را قادر به افزایش صادرات گاز تولیدی به بازارهای خارجی می‌سازد. در سال ۲۰۰۹ نیز پیش‌بینی می‌شود که تولید سالیانه گاز به ۱۲ میلیارد متر مکعب برسد که ۳ میلیارد متر مکعب آن به مصرف داخلی و ۹ میلیارد متر مکعب باقیمانده به بازارهای بین‌المللی فروخته خواهد شد.

چشم‌انداز میدان Chayvo در افق بلندمدت روشن است و این باعث افزایش سهم دولت از مالیات و بهره‌مالکانه از ساخالین-۱

## قرارداد مشارکت در تولید ساخالین-۲

مقامات رسمی فدرال و ایالت ساخالین و نماینده‌هایی از ۵ شرکت نفتی خارجی قرارداد مشارکت در تولید ساخالین-۲ را در سال ۱۹۹۴ به امضا رساندند. شرکت سرمایه‌گذاری ساخالین شامل ماراتن (۳۰ درصد)، مک‌درموت (۲۰ درصد)، میتسویی (۲۰ درصد)، شل (۲۰ درصد) و میتسوبیشی (۱۰ درصد) بود. مک‌درموت در ۱۹۹۷، ۲۰ درصد سهمش را به شرکای دیگر فروخت. شرکت ماراتن که مسئولیت اجرایی پروژه را به عهده داشت نیز در سال ۲۰۰۰، ۲۰ درصد از سهمش را عمدتاً به شل و بخشی را نیز به میتسوبیشی فروخت. در پایان سال ۲۰۰۰، شرکای پروژه شل (۵۵ درصد)، میتسویی (۲۵ درصد) و میتسوبیشی (۲۰ درصد) بودند. در سال ۲۰۰۶ تحت فشار دولت روسیه شرکای پروژه در مورد فروش نصف سهمشان به شرکت گازپروم به توافق رسیدند و در آوریل ۲۰۰۷، واگذاری سهام به گازپروم و کاهش سهم شل (۲۷/۵ درصد)، میتسویی (۱۲/۵ درصد) و میتسوبیشی (۱۰ درصد) نهایی شد.

ساخالین-۲ دارای ۱/۱ میلیارد بشکه نفت و ۶۸۴ میلیارد متر مکعب گاز می‌باشد و به اعتقاد شل بزرگترین پروژه نفتی جامع و یکپارچه در جهان است. این پروژه شامل دو میدان می‌باشد، میدان نفتی PA (Piltun - Astokhskoye) و میدان گازی Lunskeye. ساخالین-۲ همچنین شامل تأسیسات فرآوری خشکی و دو خط لوله ۸۰۰ کیلومتری متصل به میداین در شمال شرقی ساخالین به منظور صادرات به ترمینال‌های موجود در جنوب جزیره می‌باشد.

تسهیلات فرآوری در خشکی، نفت و گاز را از میدان PA جدا می‌کند و به همراه گاز میدان Lunskeye به ترمینال‌های صادرات نفت و تسهیلات LNG در Prigorodnoye در Aniva Bay در جنوب می‌فرستد. تأسیسات LNG ساخالین-۲ شامل دو واحد LNG با ظرفیت کل ۱۳/۲۵ میلیارد متر مکعب در سال است. اگر کنسرسيوم تصمیم به اضافه کردن یک واحد LNG سوم بگیرد، ساخالین-۲ می‌تواند سالانه ۲۲ میلیارد متر مکعب گاز را تبدیل به مایع کند.

کنسرسيوم کار را در دو مرحله پیش برد. در مرحله اول میدان PA را به منظور تولید نفت و ایجاد سرمایه برای مرحله دوم پروژه توسعه داد. اولین نفت در سال ۱۹۹۹ تولید شد. در برآورد اولیه انتظار می‌رفت که حدود ۹۰۰۰۰ بشکه در روز نفت تولید شود، اما به طور متوسط تنها ۴۵۰۰۰ بشکه در روز تولید شد و کاهش تولید ناشی از شرایط جوی و آب و هوا عنوان گردید. تجهیزات دریایی در PA می‌تواند تنها در شرایط بدون یخ فعالیت کنند، اما میدان در یک منطقه از دریا واقع شده که بین ماه‌های اکتبر و می یخ زده می‌باشد. هزینه مرحله

اول ۶۰۰ تا ۷۸۰ میلیون دلار تخمین زده شد؛ ولی هزینه نهایی توسعه PA به ۱/۶ تا ۲ میلیارد دلار رسید.

فاز دوم پروژه ساخالین-۲ نیز مراحل نهایی را پشت سر می‌گذارد. این فاز شامل سکوی حفاری دریایی در میداین PA و Lunskeye و خطوط لوله زیر دریایی متصل به خشکی می‌باشد. هزینه تخمینی این فاز در حدود ۸ تا ۸/۵ میلیارد دلار برآورد شده بود اما شل در جولای ۲۰۰۵ اعلام کرد که هزینه‌های فاز دوم پروژه از ۱۰ میلیارد به ۲۲ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. شل همچنین تصریح کرد که صادرات LNG پروژه با تأخیر و در فصل سوم سال ۲۰۰۸ انجام خواهد گرفت. هنگامی که مرحله دوم ساخالین-۲ به تولید کامل برسد، انتظار می‌رود که در حدود ۱۳/۲۵ میلیارد متر مکعب LNG در سال و ۳۴۰۰۰۰ بشکه نفت در روز صادر شود. در فوریه ۲۰۰۷، ۹۸ درصد از تولید LNG ساخالین-۲ در غالب قراردادهای آتی بلندمدت فروخته شده است. از سال ۲۰۰۰ تا آخر سال ۲۰۰۶ شل به عنوان یک اپراتور در ساخالین-۲ عمل کرده و مسئولیت برقراری روابط کنسرسيوم با دولت روسیه را عهده‌دار می‌باشد. مهمترین

مباحثه بین شل و دولت روسیه به هزینه‌های فزاینده پروژه و تخلفات زیست محیطی آن مربوط می‌شود. روابط نامناسب بین دولت و شرکت شل در طول دوران حکومت پوتین به حد اکثر خود رسید. بنابر شرایط قرارداد مشارکت در تولید ساخالین-۲، کنسرسيوم حق دریافت همه هزینه‌های توسعه‌ای به علاوه ۱۷/۵ درصد بازگشت سرمایه‌گذاری، قبل از اینکه دولت روسیه به سهم خود از نفت برسد، را

دارد. بنابراین افزایش در هزینه‌های پروژه، سود دولت را به تأخیر می‌اندازد. افزایش شدید قیمت‌های جهانی نفت و گاز در سال‌های اخیر طوفانی را در توسعه بخش بالادستی صنعت نفت جهان ایجاد کرده است. هزینه‌های تجهیزات و نیروی کار در پروژه‌های نفت و گاز به شدت بالا رفته و این فشارهای تورمی اثرات شدیدی را بر پروژه بر جا گذاشته است. تخلفات گسترده زیست محیطی در ساخالین-۲ دومین بهانه دخالت دولت بود. سکوی دریایی و خطوط لوله زیر دریا، زندگی دریایی را در دریای Okhotsk آشفته کرده است. ساخت خط لوله در خشکی موجب قطع گسترده درختان جنگلی و افزایش گل رودخانه‌ها شده و اکولوژی رودخانه‌ها و مسیل‌ها را تهدید کرده است. بعد از اعلام شل در سال ۲۰۰۵ در خصوص افزایش هزینه‌ها به ۲۲ میلیارد دلار، وزارت منابع طبیعی، بررسی‌های امنیتی و زیست محیطی پروژه را تشدید کرد. بالاترین مشاخره بین دولت روسیه و شل این بود که دفتر بررسی وضعیت زیست محیطی روسیه، بدهی کنسرسيوم برای جبران خسارات زیست محیطی را

**بنابر شرایط قرارداد مشارکت در تولید ساخالین-۲، کنسرسيوم حق دریافت همه هزینه‌های توسعه‌ای به علاوه ۱۷/۵ درصد بازگشت سرمایه‌گذاری، قبل از اینکه دولت روسیه به سهم خود از نفت برسد، را دارد**

در حدود ۳۰ میلیارد دلار برآورد نمود و حتی تهدید به لغو پروانه توسعه پروژه کرد.

پس از اینکه شل و شرکایش در افزایش فشارها با فروش یک سهم اضافه به گازپروم موافقت کردند دولت افزایش هزینه‌ها از ۱۲ میلیارد دلار به ۱۵/۸ میلیارد دلار را پذیرفت. شل، میتسوئی و میتسویشی مسئولیت افزایش هزینه‌ها به میزان ۳/۶ میلیارد دلار علاوه بر ۱۵/۸ میلیارد دلار مذکور را قبول کردند. گازپروم بعد از بدست آوردن کنترل حداکثر سهام ساخالین-۲ اعلام کرد که با وزارت منابع طبیعی برای جبران خسارات زیست محیطی پروژه همکاری خواهد کرد. در آوریل ۲۰۰۷ شل نسبت به پرداخت یک سود سالیانه ۱۰۰ میلیون دلار به منظور حفظ سهمش در ساخالین-۲ توافق کرد. دولت روسیه شرکت‌های دولتی را برای کسب حداکثر سهم در پروژه ساخالین-۲ سازماندهی کرده و سپس بدهی زیست محیطی پروژه را به ۲۵ میلیارد دلار کاهش داده است. این اقدام هزینه‌های کنسرسیوم را پایین آورده و ضمانت مالی شرکای خارجی را افزایش داده است.

پاسخ این سؤال که چرا دولت روسیه اینچنین اقدامات قاطعی را در برابر کنسرسیوم ساخالین-۲ اتخاذ کرده است، در بطن عواملی مانند کنسرسیوم، قوانین و عوامل ژئوپلیتیکی و فنی و افزایش قیمت نفت نهفته است.

پوتین زمان زیادی را برای اصلاحات اداری باقیمانده از دوره یلتسین صرف نموده و کنترل دولتی بر بخش انرژی روسیه را با مصادره دارایی‌های مهم و محدود کردن سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تبدیل گازپروم و روس‌نفت به مجموعه‌های تولیدی مهم انرژی تثبیت کرده است. پوتین بعد از بیش از ۶ سال اداره حکومت هنوز با پروژه‌های مشارکت در تولید مربوط به دوران یلتسین دست به گریبان است. با توجه به ماهیت قراردادهای مشارکت در تولید، دولت مجبور به اتخاذ مجموعه‌ای از روش‌های کنترلی و تنظیمی در مقابل خاریاگا، ساخالین-۱ و ساخالین-۲ برای اخذ امتیاز از اپراتورها و افزایش کنترل دولت بر پروژه‌ها شده است. مجموعه منحصر به فردی از عوامل رفتار دولت را در برابر هر یک از سه پروژه و سطح موفقیت آن را در اتخاذ امتیازات از اپراتورها تعیین کرده است. تردید دولت پوتین در استراتژی توسعه منطقه‌ای دریای "بارنتز" و عدم موفقیت آن در دخالت در زمینه رقابت منطقه‌ای بین لوک‌اویل و روس‌نفت، رفتار متناقض دولت پوتین را در برابر خاریاگا توضیح می‌دهد. توتال با توجه به هزینه‌های تولید و تولید ناکافی در خاریاگا از رفتار ستیزه‌جویانه دولت در امان است، زیرا مقامات فدرال خود به کمبود ظرفیت صادرات در "تیمان-پچورا" اعتراف کرده‌اند. از طرف دیگر عدم موفقیت کرملین در یافتن یک شریک روسی برای خرید ۲۰ درصد از

سهم در قرارداد مشارکت خاریاگا آن را از نفوذ در پروسه تصمیم‌گیری کنسرسیوم بی‌بهره ساخته است. در مجموع دولت پوتین نفوذ کمی در خاریاگا داشته است.

در پروژه ساخالین-۱ دولت دارای ثبات رویه بوده است. قدرت و صلاحیت کنسرسیوم به رهبری اکسان و بن‌بست صادرات گاز پروژه، رفتار ثابت دولت در برابر ساخالین-۱ را توضیح می‌دهد. برخلاف شرکت شل شرکت اکسان بهانه‌های زیست محیطی و مالی را به دولت نداده است و خود را به عنوان یک اپراتور لایق و شایسته ثابت کرده و در توسعه پروژه با هزینه قابل قبول موفق بوده است. کنسرسیوم از حضور روس‌نفت و موقعیت آن در کرملین نفع برده و روس‌نفت نیز از روابط کارا و سودمند با اکسان در ساخالین-۱ بهره‌مند شده است. هم‌اکنون ساخالین-۱ در حال تولید نفت برای صادرات، پرداخت مالیات‌ها به بودجه فدرال و تحویل گاز ارزان به مصرف‌کنندگان محلی می‌باشد.

در هر حال مجموعه‌ای از عوامل مانع از دخالت دولت در پروژه‌های خاریاگا و ساخالین-۱ شده است اما عوامل مربوط به ساخالین-۲ دولت پوتین را تشویق به دخالت و منصوب کردن گازپروم به عنوان مالک اکثریت سهم پروژه کرده است. رفتار مداخله‌جویانه روسیه در ساخالین-۲ همانطور که گفته شد به دلایل متنوعی از جمله موقعیت رقابتی ضعیف شل، ساختار قانونی قراردادهای مشارکت در تولید، چشم‌انداز انتقال تکنولوژی LNG و محاسبات ژئوپلیتیکی کرملین بوده است. دولت روسیه از نفوذ خود بر شل نهایت استفاده را برده است. دولت پوتین از دخالت در خاریاگا و ساخالین-۱ خودداری کرده زیرا در برابر هر دو پروژه ناتوان از تصمیم‌گیری و ارائه یک مسیر استراتژیک بوده است. در مورد ساخالین-۲ دولت پوتین برای تعیین یک چشم‌انداز بلندمدت برای پروژه با توجه به منافع منطقه‌ای و استراتژیک موفق عمل کرده است. در ضمن موقعیت محوری ساخالین-۲، این جزیره را برای منافع ژئواستراتژیک کرملین در آسیای شمال شرقی با اهمیت می‌نماید.

دولت پوتین شش سال را صرف به کارگیری استانداردها برای سرمایه‌گذاری خارجی در سه قرارداد مشارکت در تولید از دوره قبل کرده است. تاریخ کوتاه قراردادهای مشارکت در تولید روسیه در دوران پوتین به روشن ساختن قوانین و قواعد جدید برای سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز در روسیه کمک کرده است. با توجه به سیاست پوتین بعید است که شرکت‌های بین‌المللی در آینده‌ای قابل پیش‌بینی در مورد سرمایه‌گذاری سودمند در روسیه به جمع‌بندی برسند. پوتین ترجیح خود را نسبت به قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک و مالیات/بهره‌مالکانه اعلام کرده است. هرچند که واگذاری بیش از ۳۰ یا ۴۰ درصد سهم در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز در سال‌های آینده به سرمایه‌گذاران خارجی غیرمحمول به نظر می‌رسد.